



معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۹ ■ مهر ۱۳۹۹

نوجوان
بازار



احمد قجاوند

ما همچنان منتظریم!



این فیلم رو بدون شک خلیاتون دیدین و کلی هم باهاش کیف کردین! منم باز به معرفی جزئی میکنم که اون تعداد کمی هم که تاحالا نتونستن ببینن بعد از خوندن این چند خط این کارو بکنن!

محمد حسین مهدویان (کارگردان) از دنیای مستندسازی وارد سینما شد و خب این خودش یعنی ترکیبیه تاریخ پژوه و یه فیلم ساز! (چه شود!)

از سبک خاص مهدویان توی فیلم برداری و طراحی صحنه بگیر تا حتی نوع دیالوگ ها و روایت داستان که باز هم برمیگرده به همون ریشه مستند ساز بودن مهدویان، یعنی فیلم آگه قراره تاریخی باشه قطعا پژوهش نسبتا خوبی درباره اش انجام شده و روایت جون داری داره.

شخصیت های دفاع مقدس ما با این که خیلی ازشون گفتیم و شنیدیم ولی کمتر ازشون دیدیم، شاید دلیلش هم این باشه که کمتر ساخته شده باعث شده ما کمتر ببینیم! پس این که محور فیلم **ایستاده در غبار** درباره یکی از فرمانده های جنگ و داستان این فرمانده هم قرار نیست به شهادت ختم بشه خودش میتونه انگیزه زیادی باشه برای دیدن فیلم!



حاج احمد متوسلیان برای خلیا شهید و برای خلیام هنوز زنده ست و قراره برگرده! این که الان کجاست رو ما نمیدونیم ولی این فیلم انگار تا آخرین ثانیه ای که به چشم میتونسته ببیندش رو به ما نشون میده!

عملیات را طراحی کنید!



یادمه که چند هفته پیش توی معرفی پویانمایی هایی که داشتیم گفتیم باید ما هم به این سمت بریم که برای اون چیزایی که برامون مهمه، بازی و فیلم و پویانمایی بسازیم و چقدر زود یکیشو این هفته بهتون معرفی میکنم!

بازی **انتقام سخت** از صبح روز بعد از ترور شهید سلیمانی شروع میشه و حالا وظیفه ما اینه که بهترین عملیات رو برای انتقام گرفتن از آمریکایی ها طراحی کنیم!

میتونیم هرکدوم از فرمانده هایی که دوست داریم از بین شهید تهرانی مقدم، شهید کاظمی، شهید همدانی و خود شهید سلیمانی یکی رو انتخاب کنیم تا با کمک روش های منحصر به فرد هرکدوم از این فرمانده ها عملیات انتقام سخت رو طراحی کنیم!

ما باید واقع بین باشیم و قطعا انتظار به بازی تخته ای فوق العاده خفن با کلی کارت و چیزای دیگه رو داشتن اشتباهه! ولی این به این معنی نیست که اصلا بدرد بخور نیستش و قراره حوصلمون سر بره! من این قولو به شما میدم که حد اقل یک ساعت هردور از این بازی ازتون وقت میگیره و آخرش دوس دارید به دست دیگه هم بازی کنید!

حالا تصور کنید که به جای یه بازی فکری، صدا بازی فکری و فیلم و پویانمایی درباره موضوعات مختلفی که مال خومون هستن و باعث غرور ما میشن رو توی انتخابمون داشته باشیم! به زودی این اتفاق میفته... آینده خیلی روشنه!

یک فیلم بایک نفس!



قاعدا تا اونایی که جوایز اسکار رو هر سال دنبال میکنن که چه جایزه ای به چه فیلمی داده میشه و بعد میرن که همون فیلما رو ببینن، میدونن که این فیلم اسکار بهترین تدوین رو برنده شده!

حالا چرا؟ به خاطر این که شما در حین دیدن این فیلم احساس میکنی که از اول تا آخر فیلم رو فقط بایه برداشت فیلم برداری کردن و هیچ کاتی اون وسطا نخورده! در حقیقت کات خورده اونم خیلی زیاد ولی یکی فیلم برداری محشر و دوم تدوین فوق العاده این فیلم طوری داستان رو جلو میبرن که اصلا متوجه این موضوع نمیشید و خب این در کناریه

داستان شاید متوسط وقتی قرار بگیره نتیجش خیلی خوب از آب درمیداد! راجع به داستانش در همین حد بگم که دوتا سرباز باید پیغام فرمانده شون رو که گفته عملیات باید متوقف بشه بیرن خط مقدم و برسونن به مسوول اون منطقه وگرنه جون یه عالمه سرباز به خطر میفته و کلی آدم میمیرن!

گفتم که داستان فیلم **۱۹۱۷** اون قدر خفن نیست که بخوایم چهل تا مقاله فقط درباره دیالوگ ها و محتوای فیلم بنویسیم، ولی از نظر طراحی صحنه که واقعا عالی کار کردن مخصوصا توی طراحی صحنه های مربوط به شروع عملیات و همچنین فضا سازیشون و فیلم برداریشونم طوری که شما رو مجاب میکنه تا آخر فیلمو ببینید و همش حرص اینو بخورید که چرا و چجوری کات نخورده؟!

یک بچه پولدار به جنگ میرود!



نثر رضا امیرخانی (نویسنده) خاص خودشه و قرارم نیست همه باهاش حال کنن!

اینو همین اول کار میگم که بدونید ممکنه بعد از خوندنش اصلا باهاش حال نکرده باشید و برعکس!

شاید از نظر خلیا سوژه داستان اونقدر اهام مهم نباشه و بیشتر همین اختصاصی بودن نوع نوشتن امیرخانی که اونارو وادار میکنه کتاباشو بخون و خب ممکنه خلیا هم برعکسشو فکر کنن ولی از نظر من این کتاب یکم فرق میکنه!

ارمیا اولین کتاب امیرخانی و اصولا اینطوری که اولین کتاب نویسنده ها خیلی خوب از آب درنمیداد چون بیشتر حکم دست گرمی رو داره!

داستان از این قراره که یه بچه پولدار به خاطر یه سری ماجرا راهش به جبهه باز میشه و اونجا صمیمی ترین رفیقش جلوی چشمش شهید میشه... حالا داستان ادامه پیدا میکنه و ارمیا (شخصیت اول داستان) قراره داستان رو بره جلو.

جمله های کلیدی داستان که تو همه کتابای امیرخانی میتونیم ببینیم، اون آرمان گراییه خاص خودش، واژه های ترکیبی مخصوص خودش و کلا همه چیز اینجا انگار فرق داره، خط کلی داستان تا آخر حفظ میشه و اصلا قرار نیست خسته بشید چون واقعا اتفاقاتی میفته که عمرا نمیتونید تصورشو بکنید.

ولی به هر حال هرکس چه توی خوندن و چه توی نوشتن سلیقه خاص خودشو داره و به هر حال امیرخانی و طرفدارای پرو پا قرصش!



آگهی اصلاحیه

پرو آگهی مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت تولیدی صنایع رنگرزی طیف تبار سهامی خاص به شماره ثبت ۶۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۴۶۷۲۸۹ درج شده در روزنامه جام جم مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۹ به اطلاع می رسد که ساعت های مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده و مجمع عمومی فوق العاده به ترتیب ۹ و ۱۰ صبح می باشد که بدینوسیله اصلاح می گردد.

سند برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶، مدل ۸۸، رنگ مشکی، به شماره انتظامی ۱۵۴ ق ۱۶-ایران ۱۳، شماره موتور 14188005319 و شماره شاسی 36084539J03EDNAAP به نام علیرضا کرباسی زاده مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.